

**Discourse changing in the translation of Rumi's poems.**  
**Case Study: Nudes of paradise (By Rafiq Abdullah)**  
Ayoub Moradi<sup>1</sup>, Mohsen Rahimi<sup>2</sup>

تغییر گفتمان در ترجمه اشعار مولانا  
نمونه موردی: نغمه های بهشت (رفیق عبدالله)  
ایوب مرادی<sup>۱</sup>، محسن رحیمی<sup>۲</sup>

**Abstract**

The Untranslatability of some part of Mowlana's mystical poetry, and the differences between the viewpoints of the East and the West cultures, has brought about changes in the Rumi's mystical discourse. Rafiq Abdullah, a South African Muslim is, lecture, translator, writer and BBC radio producer. he chose a selection of Rumi's poetry and translate for English-speaking people. This research, while reviewing different perspectives on poetry translation, shown that have been made in translated version by referring to the selected verses of Divan Shams. In other hand, common points of discourse in the chosen vocabulary and their translation has been shown, and finally this paper shows how changing the cultural patterns from the original version to western version due to the discourse changing. Mowlanism in the other countries and attention to his behaviors in the West, is the result of native translator views.

**Keywords:** Discourse Analysis, Rumi, Translating Poetry, Divan Shams.

**چکیده**

ترجمه ناپذیری برخی اشعار عرفانی مولانا از یک سو و تفاوت دیدگاه‌های شرق و غرب، از سوی دیگر، موجب بروز تغییراتی در گفتمان عرفانی مولانا در زبان‌های مقصد گردیده است. رفیق عبدالله از مسلمانان متولد آفریقای جنوبی، سخنران، مترجم، نویسنده و تهیه کننده رادیو بی بی سی گزیده ای از اشعار مولانا را انتخاب و برای علاقه‌مندان انگلیسی زبان ترجمه نموده است. این پژوهش ضمن مرور دیدگاه‌های مختلف در زمینه شعر و ترجمه آن، با استناد به ابیات منتخب دیوان شمس، تغییرات به وجود آمده در نسخه ترجمه شده آنها را مورد بررسی قرار می دهد. همچنین به نقاط مشترک گفتمان موجود در واژگان منتخب و ترجمه آنها اشاره کرده و در پایان نشان می دهد که دلیل استقبال از اشعار مولانا و فراگیری تب مولانا دوستی در غرب تا حدودی مرهون تغییر گفتمان این الگوها از نسخه شرقی و اصیل آن به نسخه برساخته و غربی است.

**کلیدواژه ها:** تحلیل گفتمان، مولانا، ترجمه شعر، دیوان شمس.

1. Assistante professor of Persian language and literatre at payam noor university  
2. faculty member of of Persian language and literatre at payam noor university

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور  
۲. عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

## مقدمه

می تواند راهگشای انتقال محتوا و ترجمه متناسب تر از بستر فرهنگی زبان فارسی به سایر زبانها و فرهنگهای متفاوت باشد. "قوم نگاری یک قوم یا مردم، مجموعه اطلاعاتی است که جنبه های بسیار مختلف زندگی اجتماعی آنها را در بر می گیرد. هایمز<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) با بسط مابعد توانش زبانی، صحت یک صورت زبانی را تنها به صحت دستوری منوط ندانسته بلکه کاربرد صحیح آن را در چهارچوب قوانین و قراردادهای اجتماعی و فرهنگی نیز ضروری می شمارد". (لطفی پور، ۱۳۷۱: ۲۳)

چنین دریافت و بینشی نسبت به ماهیت ترجمه منجر به ایجاد تغییراتی در رشته مطالعات ترجمه شد که از آن جمله اند:

الف: حرکت از نظریه های مبتنی بر زبان مبداء به نظریه های مبتنی بر زبان مقصد

ب: لحاظ کردن مؤلفه های فرهنگی در الگوهای آموزش و نقد ترجمه (Bassnett, 2007, 15) علاوه بر تغییرات صورت گرفته در این حوزه، نقد آثار مرتبط با ترجمه نشان از توجه مترجمان به مباحث دیگری در این زمینه دارد. پژوهشها نشان می دهد که ترجمه های موفق به موضوع بافت در انتقال معنا توجه بیشتری نشان داده و تناسب بافت محتوای انتقال یافته به زبان مقصد را رعایت نموده اند.

بافت اغلب تحت دو عنوان جداگانه بافت فرهنگی و بافت موقعیت در نظر گرفته شده است. بافت فرهنگی در بردارنده سنتها آداب و رسوم، جوامع گفتمانی با بافت تاریخی و مجموعه

آثار برجسته حوزه شعر کلاسیک زبان فارسی، جایگاه ممتازی در بین ادبیات ملل داشته و مورد عنایت محققان برجسته جهان قرار گرفته است. علیرغم توفیقات کم فروغی که ترجمه این آثار در سایر زبانها به دست آورد، ترجمه اشعار مولانا فصلی نوین در توجه به شعر فارسی و عرفان مولانا را رقم زد. دلیل این توجه نه به واسطه ترجمه های ادبی قدیم از شعر مولانا، که به واسطه همسان سازی گفتمان اشعار او با الگوهای غربی غالب، در هنگام ترجمه بود. ویژگی های شعر درون گرای مولانا و توجه او به جنبه های تعالی دهنده انسان و ارائه نسخه های منطبق با نیاز روز جامعه سرخورده و دور از معنویت، از عوامل فراگیر شدن تب مولانادوستی در جهان است. ویژگی های برجسته شعر مولانا در آثار دیگر شاعران نامدار ایران نیز به چشم می خورد، ولی به دلیل پابندی مترجمان آنها به الگوهای شرقی و عدم تطابق با نیازهای جامعه غربی، آنقدر مورد استقبال جامعه جدید قرار نگرفت.

مطالعه ترجمه اشعار از زبان فارسی به سایر زبانها نشان می دهد که هرگاه فرایند ترجمه تنها براساس نگرش های زبان شناختی صورت گرفته و شرایط فرهنگی زبان مقصد در آن نادیده انگاشته شده، ترجمه خوبی فراهم نشده و در حقیقت ترجمه های برتر معمولاً شرایط زبان مقصد را برای خود بازتولید می کنند. توجه به مباحث فرهنگی زبان مبداء و مقصد و ویژگی های قومیتی

ترجمه واژگان کلیدی، بررسی کرده و تغییرات صورت گرفته در گفتمان غالب را بین دو نسخه اصل و ترجمه آن مقایسه نماید. " نقد ترجمه باید بتواند بار ایدئولوژیکی زبان و مناسبات قدرت را که در انتخاب مترجم و در نتیجه در متن مقصد وجود دارد، نمایان کند. " (فرحزاد، ۱۳۸۲: ۳۴) بررسی بار ایدئولوژیکی در ترجمه ها نیز، هدف دوم این پژوهش است.

#### پیشینه تحقیق:

در زمینه تحلیل ترجمه اشعار مولانا، دو اثر برجسته در پیشینه این تحقیقات قابل ذکر است. نخست مقاله نقد ترجمه با ابزار نشانه شناسی فرهنگی - مطالعه موردی: آلبوم هدیه عشق - به قلم مهدی مشایخی و دوم مقاله مولانا و جهان انگلیسی زبان به قلم امیرعلی نجومیان در مجموعه مقالات آئینه آفتاب از انتشارات علمی و فرهنگی تهران. هر دو مقاله تنها به جنبه های مختصری از تغییر معنا در ترجمه های صورت گرفته از اشعار مولانا پرداخته اند و ماهیت تحلیل گفتمان در برگردان اشعار را به سبک حاضر مورد پژوهش قرار نداده اند.

مقاله ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه انگلیسی فیتز جرالذ: گذری از تحلیل گفتمان و متنی به بافت شعر و گریزی به اهمیت چنین تحلیلی در ترجمه در دومین کنفرانس زبان-شناسی نظری و کاربردی در فروردین ماه ۱۳۷۱ ارائه شده است و نویسنده در آن شیوه تغییر محتوای رباعیات خیام برای انتقال بهتر معانی در

اطلاعات شرکت کنندگان می باشد. (بلور و بلور، ۶۱: ۱۳۹۰) تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درونی زبان، واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی (بافت فرهنگی، اجتماعی و موقعیتی) بررسی می کند. (لطفی پور، ۱۰: ۱۳۷۲)

بار معنایی محتوا با توجه به بار فرهنگی، محیطی و اجتماعی در ذهن مخاطب ترسیم می شود. حال اگر این بار معنایی در هنگام ترجمه اشعار به زبان دیگر به ساختار ترجمه شده پیوست نگردد، قطعاً درک مخاطب تا حد زیادی تحت تاثیر این کاهش گفتمان خواهد بود. با توجه به دو نگرش شرقی و غربی در ترجمه آثار مولانا، بدیهی است درک متناسب این اشعار مستلزم استخراج این پیوست-ها خواهد بود. در ترجمه اشعار مولانا به سایر زبانها معمولاً گفتمان غالب که عشقی پاک و الهی است، با جنبه های زمینی آن جایگزین شده و از آن به انحاء مختلف مذهب زدایی می شود تا مورد قبول عامه مخاطبان در زبان مقصد قرار گیرد. بار معنایی کلمات از دیگر جنبه هایی است که هنگام ترجمه اشعار به زبان جدید دستخوش تغییرات می شود. در این تحقیق با استفاده از ترجمه های صورت گرفته از اشعار مولانا و مقایسه آن با اصل اشعار او و بررسی نشانه شناسانه در تحلیل گفتمان، نمونه هایی از تغییر پیام اشعار مولانا در ترجمه آنها معرفی خواهد شد. این پژوهش در پی آن است که کیفیت ترجمه صورت گرفته از اشعار مولانا توسط رفیق عبدالله را در قالب تحلیل

گفتمان همواره تحت تاثیر آنها بوده است. (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۵)

در مشرب زبانشناختی تحلیل گفتمان، سه عامل مهم مورد استفاده قرار می گیرد که عبارتند از: ۱. راهبردهای آغاز ای ۲. بافت توزیع اطلاعات ۳. تمهیدات پیوندی. بسته به نوع گفتمان یعنی اینکه گوینده یا نویسنده کیست، شنونده یا خواننده کیست، هدف گفتار یا نوشتار چیست، چه می خواهد گفته شود یا نوشته شود... متن سازمان بندی خاصی پیدا می کند که می شود ویژگی های آن را از طریق این سه عامل بررسی کرد. (یارمحمدی، ۳۹: ۱۳۸۳) عواملی مانند ارجاع، جانشینی، حذف به قرینه، ربط و عوامل واژگانی که به متن انسجام می بخشند، در مجموعه تمهیدات انسجامی قرار می گیرند.

روح بلند پرواز مولانا در پدید آوردن آثار او با بهره گیری از زبان رمز و استعاره، اوج هنر شاعری را با نبوغ عرفانی در هم آمیخته است. آثار او، به مذاق مشتاقان چنان خوش آمده که مرزهای زبانی را در نوردیده و آتش به جان شیفتگان اندیشه های ناب در سراسر گیتی زده است. حاصل اندیشه های او به زبانهای مختلف ترجمه شده و به مخاطبان ناآشنا با فرهنگ عرفانی- ایرانی، معرفی می شود. در گام نخست این آشنایی تعارضاتی در درک و استقبال از این آثار به وجود می آید. زیرا "دانش مشترک اجتماعی که بعضی مواقع دانش متقابل هم نامیده می شود وجود ندارد. این همان دانشی است که شرکت کنندگان در یک عمل ارتباطی به کار می برند و همه ما برای ارتباط برقرار کردن حتی در گفتگوی یک به

نسخه انگلیسی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

### ضرورت و اهمیت پژوهش:

این پژوهش ویژگی های موجود در گفتمان عرفانی اشعار و اقوال مولانا را مشخص نموده و جنبه های مورد نظر را در ترجمه این آثار دنبال می کند تا دلیل اختلاف در برداشت ها بین نسخه اصلی و ترجمه آنرا بیابد. این مهم به منظور ترجمه منقح آثار گرانبهای ادبیات کلاسیک فارسی جهت انتشار در بین علاقه مندان به متون زبان فارسی در سایر زبانها صورت گرفته و از طریق آن به بخشی از دلایل توفیق و یا عدم توفیق آثار ترجمه شده کلاسیک فارسی به سایر زبانها دست خواهیم یافت.

### بیان مساله

گفتمان از منظر ون دایک رویدادی ارتباطی است اعم از محاوره، حرکات بدن، کنش متقابل و متن که در بافت مشخصی اتفاق می افتند. گفتمان برای ون دایک زبان در بافت است. شناخت نیز به شناخت فردی، اجتماعی، باورها و اهداف و ارزیابی احساسات که به ذهن مربوط است اشاره دارد. (کلانتری، ۱۳۹۱: ۲۴)

روش یا شیوه فردی سخن که بر اساس پیشینه های فرهنگی و اجتماعی، قابلیت های زبانی، زمانی و مکانی و... شکل می گیرد و در نهایت شرایط شناختی، عاطفی، زیبایی شناختی، حسی - ادراکی، کنشی، مجموعه عواملی اند که فرایند

یک به این دانش مشترک نیاز داریم". (بلور و بلور، ۱۳۹۰: ۴۲)

این دانش مشترک اجتماعی می‌تواند شامل اطلاعاتی خاص با آداب و رسوم اخلاقی و فرهنگی، نقش‌های اجتماعی جوامع گفتمانی و ارزش‌های اخلاقی موجود در این گونه جوامع باشد. بی‌اطلاعی نسبت به این دانش منجر به عدم درک صحیح محتوای قابل دریافت خواهد شد.

تفاوت معنا داری بین دو نوع جامعه در این زمینه وجود دارد. جامعه گفتاری<sup>۲۲</sup> که برحسب زبان مشترک در آن قرار می‌گیریم. در حالی که همه به زبان مشترکی سخن بگوئیم، تفاوتی در رنگ و نژاد و جنسیت افراد نیست و همگی با تنها وجه مشترک هم زبان بودن عضوی از این جامعه گفتاری هستیم. اما جامعه گفتمان<sup>۲۳</sup> متشکل از افرادی است که از یک گفتمان خاص سخن می‌گویند. جامعه گفتمان برخلاف جامعه گفتاری محصول انتخاب آگاهانه ماست. از این رو پیروی از آراء و اندیشه‌های اعضای جامعه گفتمانی بر پایه تعقل و خرد فردی شکل می‌گیرد. مطالعه زبانی تابع شرایط تعاملی است که تاکید بر وابستگی رفتارهای زبانی شرکای گفتمانی (هم سخنان) بر یکدیگر دارد. چنین امری نتیجه تأثیری است که در چارچوب ارتباط بر مبادلات زبانی وارد می‌گردد. (گویر، ۲۰۰۱: ۳۲۰)

در هنگام ترجمه اشعار عرفانی مولانا به سایر زبانها ما از جامعه گفتاری دور شده و به سمت انتقال معنا در جامعه گفتمانی می‌رویم. ظاهراً قرار است که با ترجمه گفتار به جامعه زبان مقصد

وارد شویم، اما با مشکلات جدیدی در طی این مسیر روبرو خواهیم شد. " نحوه عرضه مطلب، انتخاب قالب بیان مطلب، خلاصه یا گسترده بیان داشتن مطلب و بالاخره بکارگیری ساخت دستوری و واژگان خاص ارائه مطلب بستگی به عواملی از جمله کیفیت معرفت زمینه‌ای دارد. شنونده یا خواننده نیز در کشف، تفسیر و استخراج منظور گوینده از این ویژگی‌ها بهره می‌گیرد. این اصل که ما در فهم مطالب بر تجارب و اطلاعات گذشته خود متکی هستیم به هیچ وجه تازه نیست و بحث آن به روزگاران قدیم و به فیلسوفانی چون کانت (۱۹۶۳) بر می‌گردد. (یار محمدی، ۱۳۷۴: ۴۹)

بومی ساختن یک متن ترجمه شده یعنی بازسازی معنی متن مبدا در زبان مقصد از طریق استفاده از گفتمان‌های رایج در زبان مقصد. برای این منظور استفاده از نشانه‌شناسی و رمزگشایی از متن مبدا در زبان مقصد ضروری است. " رمزها ابزارهایی هستند که قدرت و ایدئولوژی از طریق آنها هژمونی خود را در گفتمان‌هایی خاص به اثبات می‌رسانند. روش اعمال این هژمونی در گفتمان، توافق افراد حاضر در گفتمان به یک معنای مرجح است و قریب به اتفاق مخاطبان آگاهند که چه تعاریفی غالب هستند. (مشایخی، ۱۳۸۹: ۱۸۳)

شعر شور انگیز مولانا مرزهای جغرافیا را در نوردیده و نوع انسان را فارغ از رنگ و نژاد و مذهب مورد خطاب قرار می‌دهد. بی‌جهت نیست که با کشف این گنجینه عظیم و ترجمه آن

<sup>2</sup> discourse community 3

<sup>2</sup> speech community 2

معانی ضمنی یا اشاره ویژه به چیزی" (بلور و بلور، ۱۳۹۰: ۵۴)

به نظر می رسد آنچه از مولانا در غرب عرضه می شود چندان با روح عرفان اسلامی مولانا هماهنگی ندارد و بیشتر به آن بخش هایی از عرفان مولانا توجه شده که برای انسان غربی قابل فهم باشد. "رمزآمیزی شعر او، زیبایی شناسی مولانا، نوعی معنویت عامه پسند و نه معنویتی پیچیده و فلسفی [است] و در نهایت احساس وجد و شعفی عاشقانه که هم معنوی و هم چسمانی است." (نجومیان، ۱۳۸۸: ۷۳)

#### تغییر بار معنایی واژگان

بدون شک، منقح ترین ترجمه از اشعار مولانا- تاکنون- توسط نیکلسون صورت پذیرفته است. هرچند نمونه هایی از ترجمه ناقص نیز در اشعار او دیده می شود. منظور از نقص در ترجمه، کاهش میدان معنایی واژه یا واژگانی است که در هنگام ترجمه به زبان مقصد، شمول معنایی خود را از دست داده و منجر به ایجاد نقص در بار معنایی محتوا می شود. بخشی از این موضوع ناشی از عدم توان زبان مقصد رد انتقال بار معنایی واژگان هسته ای است. "نکته اساسی در ترجمه واژگان به زبان مقصد، تفکیک آنها به شیوه "کارتر" در قالب واژگان هسته ای و غیر هسته ای است. واژگان هسته ای به آن عناصری از شبکه واژگانی اطلاق می شود که بی نشان هستند. یعنی این کلمات طبیعی ترین، بنیادی ترین و ساده ترین اقلام واژگانی هستند." (یارمحمدی، ۱۳۴: ۱۳۸۳)

به سایر زبانهای زنده دنیا، جوش و خروشی در دل شیفتگان سخن ناب و اندیشه های متعالی مولانا پدید آمده است. تب فراگیر علاقمندی به مولانا از چند جهت باعث جذب دلباختگان نوین او در دهه های اخیر شده است. برخی او را چون مرشدی برای کسب آرامش در دنیای پر تنش کنونی دانسته و اشعار او را با گوش جان به قصد کسب آرامش روحی و معنوی می نیوشند و برخی نیز مفهوم جدیدی از عشق را در کلام او یافته و با آن سرخوشند. اما این مفاهیم در بین اهالی سایر فرهنگها و زبانها متفاوت با آن است که در زبان مبداء و در بیان مولانا آمده است.

در زبانشناسی ایدئولوژی به مجموعه ای از عقاید، برداشتها و ارزشهای نظام مند که در یک جامعه یا بخشی از آن ساری و جاری است اطلاق می شود. ممکن است خود افراد جامعه بر این عقاید، برداشتها و ارزشهای عمومی از نظر روانی خودآگاهی نداشته باشند، ولی اعمال و رفتار آنها در داخل این نظام شکل خاصی به خود می گیرد و گفتار ساخته و پرداخته آنها با توجه به همین ایدئولوژی تبیین و توجیه می شود و معنای خاص خود را پیدا می کند. (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۸۱)

تغییر هوشمندانه گفتمان مولانا در هنگام تولید اثری بر پایه اشعار او برای جامعه فرهنگی انگلیسی زبان نشان می دهد که چگونه در مرحله رمزگزاری مفاهیم بکار گرفته شده در ترجمه اشعار مولانا، آگاهانه تغییراتی می یابد تا در رمزگشایی مجدد از آن مفاهیمی نو و متناسب با فرهنگ غربی استنباط شود. "یک اشاره ضمنی، نوعی از معناست که تعبیر دیگر آن عبارتند از



بخشد. حذف معرفت زمینه ای برای خواننده متن به صورت ترجمه معنا را مختل می کند. و "به قول کانت در نقد خرد ناب (۱۹۸۱) مفاهیم وقتی معنا پیدا می کنند که به چیزی که شخص قبلا می داند پیوند بخورد." (همان، ۵۳)

عبدالله برداشت خود را از غزل ۶۴۹ دیوان شمس به دلیل نارسا بودن ترجمه تحت الفظی ابیات به شیوه ای دیگر تبیین می نماید. این شعر که به قول نیلکسون توصیفی است استعاری از سفر سالک به سوی حق تعالی و در حق تعالی، در متن اصلی خود حتی یک بار از نام خدا به صورت مستقیم استفاده نکرده اما مترجم که در ترجمه زبان استعاری مولانا ناتوان است، مجبور به اشاره مستقیم به نام خدا شده است.

معنا درون بافتهای موقعیت که در موارد خاص آشکار می شود (یا به اصطلاح هالیدی از هم باز می شود) تامسون (۲۰۰۴ - ۵ و ۶) به این اشاره می کند که اکثر مردم انتقال معانی در بافت‌های خاص را نقش اصلی زبان می دانند. (بلور و بلور، ۱۳۹۰: ۴۱) اما عبدالله که نتوانسته بافت معنایی را همزمان با بافت هنری کلام مولانا منتقل کند، مجبور به اشاره مستقیم و اجتناب از کلام هنری و استعاری مولانا شده است. این شعر با مطلع زیر آمده و عبدالله آن را به شیوه ای متفاوت برگردانده که برخی ابیات آن در پی، آمده است.

بر چرخ سحرگاه یکی ماه عیان

از چرخ فرو آمد و درمانگران شد

همچون بازی که برای شکار طعمه پایین آمده برای شکار من و مرا بالا برد، دوباره بالا برد تا رسیدن به نشان قوسی بی نظیر که خدا نامیده می

در ترجمه انگلیسی بیت سوم نخستین غزل منتخب نیلکسون برای درج در منتخبات او از دیوان شمس، او واژه مجنون- به عنوان مشهورترین دل‌باخته شعر فارسی را - صرفاً دیوانه و شیدا را سرگشته ترجمه کرده است: برای چه آن دیوانه به هزار شکل مختلف کارهای دیوانه وار را انجام داد و آن سرگشته، هزار شید گزید؟ (نیلکسون، ۹۴: ۱۳۸۶)

هزارگونه جنون از چه کرد آن مجنون

هزار شید بر آورد آن گزین شیدا؟

ذکر نام مجنون و شیدایی او برای فارسی زبانان، اسطوره داستان‌های عاشقانه را به ذهن متبادر می کند و ترجمه آن صرفاً به سرگشته - که یکی از معانی شیدایی است - و دیوانه بجای مجنون، بخش عمده ای از بار معنایی این بیت را تحت تاثیر خود قرار می دهد. "گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده در هنگام گفتگو یا نوشتن و خواندن با توجه به اطلاعات قبلی که تصور می رود بین گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده در مورد موضوع مورد نظر، مشترک باشد گفته یا نوشته خود را به شیوه خاصی عرضه می دارد. نحوه عرضه داشت مطلب، انتخاب قالب بیان مطلب، خلاصه یا گسترده بیان داشتن مطلب و بالاخره به کارگیری ساخت دستوری و واژگان خاص ارائه مطلب، بستگی به عواملی چند از جمله کیفیت معرفت زمینه ای دارد." (پارمحمدی، ۳۰: ۱۳۸۳)

مولانا در این مقال با علم به معرفت زمینه ای موجود بدون هیچ ابایی از تمثیل شیدایی مجنون مشهور استفاده کرده تا بیان خود را غنای بیشتری

تکبیر که بیشتر دارای بار معنایی خاص است، به زعم پرهیز از ترویج باورهای اسلامی به گونه ای دیر معنا شده است.

یا در قطعه زیر بار کنایی اشارت به شمس به کل نادیده گرفته شده است.

My arrow of love has arrived at the target

I am in the house of mercy

And my heart is place of prayer

قدم کمان شد از غم و دادم نشان کز با عشق

همچو تیرم اینک نشان راست

در دل خیال خطه تبریز نقش بست کان

خانه اجابت و دل خانه دعاست

(مولوی، غزل، ۴۵۰)

چنانکه مشاهده می شود خیال خطه تبریز که کنایتی به شمس وجود مولانا است به صورتی حذف شده و عشق حقیقی او با عناصر زمینی گره خورده است. نقش پررنگ شمس در تخلص مولانا و اشاراتی که از این منظر به شمس وجود خویش داشته در تمامی موارد نادیده گرفته شده است.

تاریخ مند بودن خصیصه و شاخصه بارز گفتمان فوکویی درباره گفتمان است. از این منظر، شرایط تاریخی (بیرونی) نقشی بنیادین در هستی یک گفتمان ایفا می کند. به بیان دیگر، شناخت ماهیت یک گفتمان ممکن نمی گردد، مگر در سایه شناخت عناصر بیرونی و بسته به شرایط تاریخی آن (تاجیک، ۱۱: ۱۳۷۹)

ترجمه های غیر معنوی:

شد، بلند در آسمان (عبدالله، ۱۹: ۱۳۸۶) این ترجمه ای است از ابیات زیر:

چون باز که بر باید مرغی به گه صید

بر بود مرا آن مه و بر چرخ دوان شد

در خود چو نظر کردم و خود را بندیدم

زیرا که در آن مه تنم از لطف چو جان شد

تغییر ضمائر

در هنگام ترجمه اشعار، ضمیر او که در کلام مولانا از آن برای معشوق ازلی و غایب استفاده می شود معمولاً با معشوق حاضر جایگزین شده است. این تغییر جنس، رابطه سماوی را به سطح زمین باز می گرداند.

I can't explain the going or the coming

You enter suddenly and I am now here again , inside the majesty

آمدن و رفتن را نمی توانم توصیف کنم،

ناگهان وارد شدی

و دوباره اینجا هستم، محو عظمت تو

ترجمه را مقایسه کنید با ابیات اصلی از کلام مولانا:

مرا طاقت نماند از دست رفتم مرا بردند و

آوردند دیگر

خیال او چو ناگه در دل آید دل از جا می

رود الله اکبر

(مولوی، غزل ۱۰۴۷)

چنانکه مشاهده می شود، تغییر ضمیر سوم شخص که غایبی قادر است به دوم شخص که مخاطب حاضر است، بعد الهی این تغییر را تبدیل به حضور زمینی می کند. عنصر مذهبی شبه جمله



اشعار مولانا به اعتقاد بسیاری از منتقدان ترجمه های جنسی شده اند. کلمن بارکس در مصاحبه ای به این موضوع اذعان دارد که عشق نزد مولانا با تعریف غربی آن - که همیشه با جدایی و اشتیاق و هوس جسمانی همراه بوده است - تفاوت بسیاری دارد. (نجومیان، ۱۳۸۸: ۷۷)

در ترجمه غزل شماره ۲۲۱۴ دیوان شمس با مطلع ذیل، رفیق عبدالله تقریباً ابیات غزل را مو به مو معنا کرده اما برخلاف نگرش وحدت وجودی موجود در ابیات که متأثر از اندیشه ابن عربی است، مترجم تنها به صورت این جهانی معاشرت زمینی من و تو که گویی مکالمه‌ای بین دو نفر، احتمالاً عاشق و معشوق او می پردازد:

خنک آن دم که نشینیم در ایوان من و تو

به دو نقش و به دو صورت به یکی جان من

و تو

او در سرتاسر ترجمه خود وحدت وجود را نادیده گرفته و معشوق را زمینی فرض کرده و به ترجمه اشعار پرداخته است. طرفه آنکه در ترجمه بیت زیر تنها به ترجمه تحت الفظی واژگان پرداخته:

این عجب تر که من و تو به یکی کنج اینجا

هم درین دم به عراقیم و خراسان من و تو

این بیت به تعبیر نیلکسون مصداق بارز وحدت وجود است: جان های ما، و اصل به خداوندی که در همه جا حاضر است، دیگر تابع قوانین مکان و زمان نیست. (نیلکسون، ۳۷۵، ۱۳۸۶) اما در ترجمه عبدالله آمده است: من و تو هم زمان در عراق و خراسان هستیم. (عبدالله، ۲۵: ۱۳۸۶)

همچنین به دلیل ناتوانی در انتقال بار معنایی واژه شکرستان، آن را نادیده گرفته و بجای بهشت ابدی نیز از همان ترکیب بارگاه سلطانی که پیشتر در ترجمه ایوان در بیت اول آورده بود، بسنده می کند. نادیده انگاشتن بهشت ابدی در ترجمه نشان دهنده توجه دادن مترجم به لذت و نعمات این جهانی است و پاداش اخروی و دست یابی به بهشت وعده داده شده را به هیچ عنوان مد نظر قرار نمی دهد. مترجم: در این بارگاه سلطنتی من و تو در سایه سعادت و در عین قدمت ما یکی هستیم من و تو.

را معادل بیت پایانی غزل مولانا آورده است که فرمود:

به یکی نقش برین خاک و بر آن نقش دگر

در بهشت ابدی و شکرستان من و تو

تغییر چارچوب

چارچوب در توصیف یک مدل شناختی به کار می رود که عناصر مجزای زبانی را در ذهن ما به هم مرتبط می کند. تعریف لیکاف (۲۰۰۴) از چارچوب اینگونه است: ساختارهای ذهنی که نحوه نگرش ما را به دنیا شکل می دهند و از نظر او این چارچوب توسط کلمات برانگیخته می شوند. آنها بخشی از ذهن ناخودآگاه ما هستند که به طور خودکار به کار می افتند تا ما را در فهم جهان کمک کنند. (بلور و بلور، ۱۳۹: ۲۷)

با این تعریف می توان دریافت که این چارچوب در ذهن صاحبان زبان مقصد از تعبیر مولانا، بدون اشاره مستقیم به آن وجود داشته و تنها در هنگام انتقال آن به فرهنگی دیگر، ضروری است چارچوب مورد نظر در لابلای ترجمه های تبیین

عنوان یک شخص با آن مخالفت کرد، اما موقعی که به صورت یک نگرش ناخودآگاه که شخص آن را در اجتماع پذیرفته، بسیار سخت تر می توان در مورد آن حتی از خود سوال کرد و به سختی می توان در عرصه اجتماعی آن را علنا مورد اعتراض قرار داد. (بلور و بلور، ۱۳۹۰: ۲۶) در تحلیل گفتمان با دو عنصر کلیدی سرو کار داریم که بایستی به هر دوی آنها توجه کافی مبذول داشت. ۱. بافت متن<sup>۳۴</sup>. بافت موقعیت<sup>۲۵</sup> منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن چه تاثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارند. بافت موقعیتی که از آن به بافت غیر زبانی هم یاد می کنند، نخستین بار توسط ماینوفسکی به کار گرفته شد و بعد از آن قوم نگاران و زبان شناسان زیادی آن را به کار بردند. در بافت موقعیتی، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است مد نظر قرار می گیرد. بافتهای فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی همگی از این نوع هستند. (بهرامپور، ۲۴: ۱۳۷۹)

#### نتیجه گیری

بررسی ترجمه غزلیات ترجمه شده توسط رفیق عبدالله در مجموعه نغمه های بهشت نشان می دهد که ضعف ترجمه واژگان هسته ای، تغییر ضمائر به دلیل مشخص نمودن مخاطب خاص، ترجمه های غیر معنوی و تا حدودی جنسیت یافته و تغییر چارچوب گفتمان مولانا با باورهای

شود؛ در غیر اینصورت بافتار معنایی کارکرد خود را از دست خواهد داد. عبدالله در ترجمه غزل ۳۱۰ دیوان شمس، بدون در نظر داشتن چارچوب افکار مولانا، ترجمه ای این جهانی از عشق حقیقی مولانا به پروردگار را نمایش میدهد و عظمت ترتیب واژگانی مولانا برای بیان عشق حقیقی را به سطحی زمینی تنزل می دهد:

"ناگهان عشق در قلبم که باز گذاشته شده بود نفوذ کرد و اقیانوس عشق را دید. همچون غزالی جهنده به درون دریای الماس می جهد و فریاد می زند: نمی توانم بمانم، باید راهی بیابم بیا! حالا دنبال من بیا!" خورشید پیدا شد و برمن آشکار کرد... (عبدالله، ۵۷: ۱۳۸۶)

که معادل ابیات زیر است:

دریای عشق را دل من دید ناگهان از من  
بجست در وی و گفت مرا بیاب  
خورشید روی مفخر تبریز شمس دین اندر پی  
اش روان شده، دلهای چون سحاب  
(دیوان شمس، ۳۱۰)

معمولا در بکار گرفتن باورها و نگرش ها ایدئولوژی وجود دارد که به صورت ناخودآگاه افراد هم وند از آن برخوردارند. بخشی از این مواضع ایدئولوژیک به صورت پنهان و در قالب تلمیح و تعریض و کنایات در آثار ادبی برجای مانده است. این باورها و نگرش ها ممکن است چنان عمیق در الگوهای فکری و زبان ما ریشه دوانده باشند که ما آن را بدیهی فرض می کنیم. موقعی که یک باور به صورت آگاهانه است، می توان آگاهانه از معنای آن پرسید و یا حتی به

<sup>2</sup> Context of situation

<sup>2</sup> Co-text

- امروز غرب مصادیق بارز تغییر گفتمان مولانا در ترجمه افکار و اشعار او هستند. این تغییر نگرش به دلیل مسائلی همچون خلاء عشق حقیقی و توکل به نیروی آرامش بخش الهی، تکیه بر روانشناسی فردی و خودآگاهی و در نهایت عشق واقعی به وجود آمده است. رفیق عبدالله از اشعار مولانا به ظن خود یا مولانا شده و از درون افکار او، اسرار کلام وحی گونه مولانا را استخراج ننموده است. شاهد و مثال های موجود در این پژوهش، مثنوی نمونه خروار از تلاش اندیشمندان غربی برای تطبیق نیازهای امروز جوامع مبتلا به بی هویتی از طریق اشعار مولانا است. تلاشی که به زعم ایشان مثمر ثمر نیز بوده است.
- منابع**
- آقا گل زاده فردوس. تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- بلور مریل، بلور توماس. ۱۳۹۰. مقدمه ای بر روند تحلیل گفتمان، ترجمه علی رحیمی و امیر حسین شاه بالا، چاپ نخست، تهران: انتشارات جنگل
- شعیری حمیدرضا. ۱۳۸۵. تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان. تهران: انتشارات سمت.
- عبدالله رفیق. ۱۳۸۶. نغمه های بهشت. چاپ دوم، ترجمه فاطمه کاوندی، تهران: موسسه چاپ و نشر نظر
- فرحزاد فرزانه. ۱۳۸۲. چارچوبی نظری برای نقد ترجمه. تهران: مطالعات ترجمه
- فرکلاف نورمن، ۱۳۹۰. تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه فاطمه شایسته پیران و محمد نبوی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کلانتری عبدالحسین. ۱۳۹۱. گفتمان از سه منظر زبان شناختی، فلسفی و جامعه شناختی. تهران: نشر جامعه شناسان.
- لطفی پور ساعدی، کاظم. ۱۳۷۱. درآمدی به سخن کاوی. مجله زبان شناسی. بهار و تابستان ۷۱
- مثنوی معنوی) چاپ اول، تهران: انتشارات دوستان
- مشایخی، مهدی. ۱۳۸۹. نشانه شناسی فرهنگ (مقاله نقد ترجمه با ابزار نشانه شناسی فرهنگی، مطالعه موردی: آلبوم هدیه عشق). تهران: انتشارات سخن.
- مولوی جلال الدین محمد. ۱۱۱۱. گزیده غزلیات دیوان شمس، چاپ نجومیان، امیرعلی. ۱۳۸۸. مولانا و جهان انگلیسی زبان. آئینه آفتاب. به کوشش بهمن نامور مطلق. امیرعلی نجومیان و سعید فیروز آبادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- نیکلسون رینولد الن. ۱۳۸۶. منتخباتی از دیوان شمس همراه با ترجمه انگلیسی و توضیحات، ترجمه حسن لاهوتی، چاپ دوم، تهران: نشر کارنامک

- Bassnet, susan. 2007. Culture and translation. Acomparison to translation studies. Eds. Kuhiwczak. P. katrin litlau. Toronto. Multilingual matters.
- Goobert F. Glossaire bibliographique des sciences du language, paris, panoramities. 2001
- یار محمدی لطف الله. ۱۳۸۳. گفتمان شناسی رایج و انتقادی، چاپ اول ، تهران، انتشارات هرمس
- ----- .۱۳۷۴. پانزده مقاله در زبان شناسی مقابله ای و ساخت زبان فارسی: دستور . متن و گفتمان . چاپ اول. تهران: انتشارات رهنما.

